

نمونه سوالات امتحان دانشگاه آزادعلوم تحقیقات تهران

رشته مدیریت مالی درس توسعه اقتصادی و برنامه ریزی استاد سیدامیرحسین حسینی

تفاوت مدل رشد هارود-دومار با مدل سولو در چیست؟

پاسخ: مدل هارود-دومار بر اهمیت پس انداز و سرمایه‌گذاری برای رسیدن به نرخ رشد هدف تأکید دارد و ناپایدار است (تیغه چاقو). اما مدل سولو با معرفی «پیشرفت تکنولوژی» و «بازدهی نزولی سرمایه»، نشان می‌دهد که رشد بلندمدت در نهایت به رشد تکنولوژی وابسته است، نه فقط انباشت سرمایه.

چرا «شفافیت اطلاعاتی» در بازار سرمایه برای توسعه اقتصادی حیاتی است؟

پاسخ: شفافیت باعث کاهش «عدم تقارن اطلاعاتی» می‌شود. وقتی سرمایه‌گذاران به اطلاعات دقیق دسترسی دارند، ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یافته و منابع به سمت بهره‌ورترین فعالیت‌ها هدایت می‌شوند، که نتیجه آن تخصیص بهینه منابع و رشد اقتصادی است.

مفهوم «بیماری هلندی» در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی چیست؟

پاسخ: این پدیده زمانی رخ می‌دهد که صادرات منابع طبیعی (مثل نفت) افزایش یافته و منجر به تقویت پول ملی می‌شود. این اتفاق باعث تضعیف بخش‌های تولیدی و صادرات غیرنفتی (به دلیل گران شدن کالاهای داخلی) و در نهایت کاهش تنوع اقتصادی می‌شود.

برنامه‌ریزی متمرکز در برابر برنامه‌ریزی هدایتی چه تفاوت‌هایی دارند؟

پاسخ: در برنامه‌ریزی متمرکز، دولت مستقیماً تولید و قیمت‌ها را تعیین می‌کند که معمولاً منجر به ناکارایی می‌شود. در برنامه‌ریزی هدایتی، دولت با ابزارهای پولی و مالی (مثل نرخ بهره و مالیات)، بخش خصوصی را به سمت اهداف توسعه‌ای سوق می‌دهد.

تأثیر «حق مالکیت» بر توسعه اقتصادی چیست؟

پاسخ: حق مالکیت امن، انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت را افزایش می‌دهد. بدون امنیت مالکیت، سرمایه‌گذاران از ورود به پروژه‌های زیربنایی خودداری کرده و سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت یا خروج از کشور سوق می‌یابد.

منظور از «تأثیر سرریز» (Spillover Effect) در سرمایه‌گذاری خارجی چیست؟

پاسخ: یعنی حضور شرکت‌های چندملیتی باعث انتقال دانش فنی، مدیریت نوین و مهارت‌های کاری به نیروی کار و شرکت‌های داخلی شود، که این خود باعث ارتقای بهره‌وری کل اقتصاد می‌شود.

چرا در کشورهای در حال توسعه «بخش غیررسمی» اقتصاد بزرگ است؟

پاسخ: به دلیل پیچیدگی‌های اداری، مالیات‌های سنگین و قوانین دست‌وپاگیر، بسیاری از کسب‌وکارها ترجیح می‌دهند خارج از چارچوب قانونی فعالیت کنند که باعث کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و عدم دسترسی این بخش به تسهیلات بانکی می‌شود.

شاخص «آمادگی برای تجارت» در برنامه‌ریزی توسعه چه جایگاهی دارد؟

پاسخ: این شاخص نشان‌دهنده سهولت انجام فعالیت‌های تجاری است. هرچه این شاخص بهتر باشد، هزینه ورود و خروج به بازار برای بنگاه‌ها کاهش یافته و فضای رقابتی برای نوآوری و توسعه فراهم می‌شود.

تفاوت «نرخ بهره واقعی» با «نرخ بهره اسمی» در تصمیمات سرمایه‌گذاری چیست؟

پاسخ: نرخ بهره اسمی نرخ اعلامی بانک است، اما نرخ بهره واقعی (نرخ اسمی منهای نرخ تورم) هزینه واقعی تأمین مالی را نشان می‌دهد. تصمیمات بهینه سرمایه‌گذاری باید بر اساس نرخ بهره واقعی گرفته شود.

چرا «صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا» برای توسعه ضروری است؟

پاسخ: این کالاها دارای ارزش افزوده بالاتری هستند و در بازارهای جهانی تقاضای مستمری دارند. تمرکز بر این صادرات، کشور را از نوسانات قیمت کالاهای خام نجات داده و تراز تجاری را پایدار می‌کند.

مفهوم «عدم تقارن اطلاعاتی» (Information Asymmetry) در تأمین مالی چیست؟

پاسخ: شرایطی است که در آن مدیران شرکت اطلاعات بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران دارند. این پدیده باعث ایجاد مشکل «انتخاب معکوس» و «کج‌منشی» شده و هزینه تأمین مالی را افزایش می‌دهد.

چرا «ثبات اقتصاد کلان» پیش‌شرط هرگونه برنامه‌ریزی توسعه است؟

پاسخ: بدون ثبات (تورم کنترل‌شده، نرخ ارز پایدار و کسری بودجه محدود)، محاسبه دقیق هزینه‌ها و بازدهی پروژه‌ها غیرممکن است و ریسک‌های سیستماتیک مانع از هرگونه برنامه‌ریزی بلندمدت می‌شود.

نقش «سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها» بر نرخ بازدهی بخش خصوصی چیست؟

پاسخ: زیرساخت‌ها (مثل راه، انرژی، اینترنت) «هزینه‌های سربار» تولید را کاهش می‌دهند. با بهبود زیرساخت، بهره‌وری سرمایه در بخش خصوصی افزایش یافته و انگیزه برای گسترش تولید بیشتر می‌شود.

تأثیر «کاهش نرخ مالیات شرکت‌ها» بر توسعه اقتصادی چیست؟

پاسخ: کاهش مالیات می‌تواند جریان نقدی (Cash Flow) در دسترس شرکت‌ها را برای سرمایه‌گذاری مجدد افزایش دهد. اگر این منابع به سمت R&D و توسعه خطوط تولید برود، محرک رشد است.

منظور از «تله درآمد متوسط» (Middle-Income Trap) چیست؟

پاسخ: وضعیتی که در آن یک کشور به دلیل افزایش دستمزدها دیگر در تولیدات ارزان قیمت مزیت ندارد، اما هنوز به سطح تکنولوژی و نوآوری لازم برای رقابت با کشورهای پیشرفته نرسیده است.

تأثیر «سرمایه انسانی» بر رشد اقتصادی از طریق کانال بهره‌وری چیست؟

پاسخ: نیروی کار متخصص و آموزش دیده، بهتر از تکنولوژی استفاده می‌کند و فرآیندهای تولید را بهینه‌سازی می‌کند که مستقیماً منجر به افزایش خروجی نسبت به ورودی می‌شود.

چرا نابرابری شدید درآمدی مانع رشد اقتصادی بلندمدت است؟

پاسخ: نابرابری زیاد باعث کاهش تقاضای کل (به دلیل تمایل کمتر ثروتمندان به مصرف)، کاهش دسترسی بخش بزرگی از جامعه به آموزش و در نهایت بی‌ثباتی اجتماعی می‌شود که فضای کسب و کار را ناامن می‌کند.

نقش «بانک مرکزی» در برنامه‌ریزی توسعه چیست؟

پاسخ: کنترل تورم و مدیریت عرضه پول. با ثبات قیمت‌ها، بانک مرکزی فضای پیش‌بینی‌پذیری برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که برای اجرای برنامه‌های توسعه حیاتی است.

تأثیر «سیاست‌های حمایتی (Protectionism)» بر صنعت داخلی چیست؟

پاسخ: در کوتاه‌مدت از صنایع نوپا حمایت می‌کند، اما در بلندمدت اگر به رقابت منجر نشود، باعث کاهش بهره‌وری و کاهش کیفیت کالاهای تولیدی می‌شود.

منظور از «تخصیص ناکارآمد اعتبارات بانکی» در کشورهای در حال توسعه چیست؟

پاسخ: حالتی است که بانک‌ها به جای پروژه‌های مولد، به شرکت‌های دولتی یا گروه‌های خاص، صرفاً به دلیل روابط سیاسی، وام می‌دهند که مانع از رشد واقعی می‌شود.

چرا «درآمد مالیاتی» پایدارتر از «درآمدهای نفتی» است؟

پاسخ: درآمدهای نفتی وابسته به قیمت‌های جهانی و خارج از کنترل کشور است. درآمدهای مالیاتی وابسته به رشد فعالیت اقتصادی داخلی است که برنامه‌ریز می‌تواند با سیاست‌گذاری آن را هدایت کند.

مفهوم «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)» چیست؟

پاسخ: ورود سرمایه توسط شرکت‌های خارجی برای ایجاد یا خرید دارایی‌های مولد. این روش نه تنها پول، بلکه تکنولوژی و دسترسی به بازارهای جهانی را نیز به همراه می‌آورد.

تأثیر «بوروکراسی اداری» بر فرآیند توسعه چیست؟

پاسخ: فرآیندهای اداری طولانی و پیچیده، هزینه ورود به بازار را افزایش می‌دهد و باعث اتلاف وقت و منابع ارزشمند کارآفرینان می‌شود که خود عاملی بازدارنده برای توسعه است.

چرا «پایداری بدهی دولت» برای توسعه مهم است؟

پاسخ: اگر بدهی دولت بیش از حد شود، بخش بزرگی از بودجه کشور صرف پرداخت سود بدهی می‌شود که مانع از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و توسعه‌ای می‌گردد.

تأثیر «نوآوری» در مدل‌های رشد درون‌زا چیست؟

پاسخ: نوآوری (توسعه تکنولوژی و محصولات جدید) بازدهی سرمایه را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود اقتصاد از حالت «ایستایی» خارج شده و به رشد مداوم دست یابد.

منظور از «اثر تکاثری (Multiplier Effect)» در سرمایه‌گذاری چیست؟

پاسخ: یعنی یک واحد سرمایه‌گذاری اولیه، باعث ایجاد درآمدهای ثانویه و رشد چندین برابری در درآمد ملی می‌شود؛ این امر در برنامه‌ریزی برای انتخاب پروژه‌های اولویت‌دار اهمیت دارد.

چرا توسعه «سیستم‌های بیمه و تأمین اجتماعی» برای توسعه اقتصادی لازم است؟

پاسخ: با ایجاد امنیت اجتماعی، ریسک‌پذیری کارآفرینان و نیروی کار افزایش می‌یابد؛ چرا که آن‌ها در صورت شکست یا بیکاری، پوشش حمایتی دارند.

تأثیر «آزادسازی تجاری» بر بهره‌وری بنگاه‌های داخلی چیست؟

پاسخ: بنگاه‌ها مجبور می‌شوند برای رقابت با کالاهای خارجی، بهره‌وری خود را بالا ببرند و هزینه‌های تولید را مدیریت کنند تا سهم بازار خود را حفظ نمایند.

منظور از «اقتصاد سیاسی توسعه» چیست؟

پاسخ: تحلیل این که چگونه منافع گروه‌های مختلف (سیاسی و اقتصادی) بر سیاست‌های توسعه‌ای اثر می‌گذارد و چرا گاهی سیاست‌های درست اقتصادی به دلیل فشارهای سیاسی اجرا نمی‌شوند.

چرا «بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)» مهم‌ترین شاخص برای رشد بلندمدت است؟

پاسخ: چون نشان‌دهنده میزان کارایی در ترکیب نهاده‌ها (سرمایه و نیروی کار) است. اگر TFP رشد نکند، رشد اقتصادی صرفاً ناشی از مصرف بیشتر منابع است که در نهایت به دیوار می‌خورد.

تفاوت اساسی بین «رشد اقتصادی» و «توسعه اقتصادی» را از منظر شاخص‌های مدیریت مالی و رفاه اجتماعی تحلیل کنید.

پاسخ: رشد اقتصادی صرفاً به افزایش کمی در تولید ناخالص داخلی (GDP) یا درآمد سرانه اشاره دارد و پدیده‌ای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت است. اما توسعه اقتصادی فراتر از رشد است و شامل تغییرات کیفی در ساختار اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، کاهش فقر و بهبود شاخص‌های انسانی (مانند آموزش و سلامت) می‌شود. در مدیریت مالی، رشد می‌تواند از طریق انباشت سرمایه رخ دهد، اما توسعه نیازمند کارایی در تخصیص منابع و ثبات نهادی است.

تئوری «مراحل رشد» روستو (Rostow) را شرح داده و جایگاه فعلی اقتصاد ایران را در این مدل نقد کنید. پاسخ: روستو ۵ مرحله را برمی‌شمارد: جامعه سنتی، پیش‌شرط‌های خیز، خیز (Take-off)، بلوغ و عصر مصرف انبوه. اقتصاد ایران در مرحله خیز باقی مانده است. نقد اصلی این است که مدل روستو «خارجی‌محور» است و به نهادها و روابط بین‌الملل توجه کافی ندارد؛ همچنین انتقال از مرحله خیز به بلوغ در ایران به دلیل نوسانات درآمدهای نفتی و عدم انتقال تکنولوژی کافی، با وقفه مواجه شده است.

نقش «تخصیص بهینه منابع» در توسعه اقتصادی را از دیدگاه یک مدیر مالی توضیح دهید.

پاسخ: از دیدگاه مدیریت مالی، توسعه زمانی رخ می‌دهد که سرمایه از بخش‌های کم‌بازده به سمت بخش‌هایی که دارای «نرخ بازده داخلی (IRR)» بالاتر و «ارزش افزوده» بیشتر هستند حرکت کند. توسعه اقتصادی، فرآیند کاهش اصطکاک‌های بازار سرمایه است تا وجوه از پس‌اندازکنندگان به سرمایه‌گذاران با کارایی بالا منتقل شود.

تأثیر «نرخ ارز» بر برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی را تحلیل کنید.

پاسخ: نرخ ارز دوگانه عمل می‌کند: ۱. اثر قیمتی (رقابت‌پذیری صادرات): کاهش ارزش پول ملی باعث تشویق صادرات و جایگزینی واردات می‌شود. ۲. اثر هزینه‌ای: افزایش نرخ ارز باعث تورم وارداتی می‌شود که می‌تواند هزینه‌های تولید بنگاه‌ها را افزایش دهد. یک برنامه توسعه موفق باید توازن بین این دو اثر ایجاد کند تا از «بیماری هلندی» جلوگیری شود.

«تئوری وابستگی» (Dependency Theory) را در تحلیل عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه توضیح دهید.

پاسخ: این تئوری معتقد است توسعه کشورهای پیشرفته (مرکز) به قیمت عقب‌ماندگی کشورهای پیرامون رخ می‌دهد. از منظر مدیریت مالی، این کشورها با خروج سرمایه و نابرابری در مبادلات تجاری (Terms of Trade) مواجه‌اند که مانع از انباشت سرمایه داخلی و صنعتی شدن می‌شود.

نقش «سرمایه انسانی» در مدل رشد درون‌زای رومر (Romer) چیست؟

پاسخ: در مدل رومر، ایده‌ها و دانش فنی درون‌زا هستند. سرمایه انسانی (آموزش و تخصص) باعث افزایش بهره‌وری سرمایه فیزیکی می‌شود. برخلاف مدل‌های کلاسیک، در اینجا بازدهی نسبت به مقیاس صعودی است، زیرا دانش «کالای عمومی» است که با استفاده، مستهلک نمی‌شود بلکه گسترش می‌یابد.

منظور از «شکاف پس‌انداز-سرمایه‌گذاری» در برنامه‌ریزی اقتصادی چیست؟

پاسخ: این شکاف نشان می‌دهد که پس‌انداز داخلی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری مورد نیاز جهت رسیدن به نرخ رشد هدف کافی نیست. برنامه‌ریزان برای پر کردن این شکاف، یا از سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) استفاده می‌کنند یا از منابع مالی بین‌المللی استقراض می‌کنند که ریسک‌های نقدینگی را در مدیریت مالی کلان افزایش می‌دهد.

«سیاست صنعتی» (Industrial Policy) به چه معناست و چرا برای توسعه ضروری است؟

پاسخ: سیاست صنعتی یعنی دخالت هدفمند دولت برای توسعه بخش‌هایی که مزیت رقابتی دارند. از دیدگاه مالی، این کار با کاهش ریسک برای بخش خصوصی از طریق یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی یا حمایت‌های تعرفه‌ای انجام می‌شود تا سرمایه‌گذاری در صنایع کلیدی تسهیل گردد.

تأثیر «تورم» بر کیفیت برنامه‌ریزی اقتصادی را از منظر مدیریت ریسک شرح دهید.

پاسخ: تورم بالا باعث می‌شود «افق زمانی» سرمایه‌گذاری کوتاه‌تر شود. در مدیریت مالی، این یعنی نرخ تنزیل (Discount Rate) غیرواقعی می‌شود و پروژه‌های بلندمدت توسعه‌ای توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهند. تورم باعث بی‌ثباتی در قیمت‌های نسبی شده و سیگنال‌های بازار را مخدوش می‌کند.

مفهوم «سرمایه اجتماعی» در توسعه اقتصادی چیست؟

پاسخ: سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های ارتباطی، اعتماد و هنجارهایی است که همکاری بین کنشگران اقتصادی را تسهیل می‌کند. در مدیریت مالی، سرمایه اجتماعی «هزینه‌های مبادله» (Transaction Costs) را کاهش داده و اجرای قراردادها را تسهیل می‌کند که منجر به افزایش سرعت چرخش سرمایه در اقتصاد می‌شود.

چرا شاخص «ضریب جینی» به تنهایی برای اندازه‌گیری رفاه کافی نیست؟

پاسخ: ضریب جینی فقط نابرابری توزیع درآمد را نشان می‌دهد. ممکن است کشوری ضریب جینی پایین داشته باشد اما فقر مطلق در آن بالا باشد (یعنی همه فقیرند). برای برنامه‌ریزی توسعه، باید در کنار آن از شاخص «توسعه انسانی» (HDI) که شامل آموزش و سلامت است، استفاده کرد.

نقش «بازارهای مالی» در توسعه اقتصادی چیست؟

پاسخ: بازارهای مالی با تجهیز پس اندازهای خرد و هدایت آن‌ها به سوی پروژه‌های بزرگ اقتصادی، مدیریت ریسک (بیمه و ابزارهای مشتقه) و کاهش هزینه نظارت، موتور محرک توسعه هستند. بدون بازار مالی کارا، تخصیص منابع به صورت غیربهبینه توسط دولت انجام می‌شود.

تفاوت مدل رشد هارود-دومار با مدل سولو در چیست؟

پاسخ: مدل هارود-دومار بر اهمیت پس انداز و سرمایه‌گذاری برای رسیدن به نرخ رشد هدف تأکید دارد و ناپایدار است (تیغه چاقو). اما مدل سولو با معرفی «پیشرفت تکنولوژی» و «بازدهی نزولی سرمایه»، نشان می‌دهد که رشد بلندمدت در نهایت به رشد تکنولوژی وابسته است، نه فقط انباشت سرمایه.

چرا «شفافیت اطلاعاتی» در بازار سرمایه برای توسعه اقتصادی حیاتی است؟

پاسخ: شفافیت باعث کاهش «عدم تقارن اطلاعاتی» می‌شود. وقتی سرمایه‌گذاران به اطلاعات دقیق دسترسی دارند، ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یافته و منابع به سمت بهره‌ورترین فعالیت‌ها هدایت می‌شوند، که نتیجه آن تخصیص بهینه منابع و رشد اقتصادی است.

مفهوم «بیماری هلندی» در اقتصادهای وابسته به منابع طبیعی چیست؟

پاسخ: این پدیده زمانی رخ می‌دهد که صادرات منابع طبیعی (مثل نفت) افزایش یافته و منجر به تقویت پول ملی می‌شود. این اتفاق باعث تضعیف بخش‌های تولیدی و صادرات غیرنفتی (به دلیل گران شدن کالاهای داخلی) و در نهایت کاهش تنوع اقتصادی می‌شود.

برنامه‌ریزی متمرکز در برابر برنامه‌ریزی هدایتی چه تفاوت‌هایی دارند؟

پاسخ: در برنامه‌ریزی متمرکز، دولت مستقیماً تولید و قیمت‌ها را تعیین می‌کند که معمولاً منجر به ناکارایی می‌شود. در برنامه‌ریزی هدایتی، دولت با ابزارهای پولی و مالی (مثل نرخ بهره و مالیات)، بخش خصوصی را به سمت اهداف توسعه‌ای سوق می‌دهد.

تأثیر «حق مالکیت» بر توسعه اقتصادی چیست؟

پاسخ: حق مالکیت امن، انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت را افزایش می‌دهد. بدون امنیت مالکیت، سرمایه‌گذاران از ورود به پروژه‌های زیربنایی خودداری کرده و سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت یا خروج از کشور سوق می‌یابد.

منظور از «تأثیر سرریز» (Spillover Effect) در سرمایه‌گذاری خارجی چیست؟

پاسخ: یعنی حضور شرکت‌های چندملیتی باعث انتقال دانش فنی، مدیریت نوین و مهارت‌های کاری به نیروی کار و شرکت‌های داخلی شود، که این خود باعث ارتقای بهره‌وری کل اقتصاد می‌شود.

چرا در کشورهای در حال توسعه «بخش غیررسمی» اقتصاد بزرگ است؟

پاسخ: به دلیل پیچیدگی‌های اداری، مالیات‌های سنگین و قوانین دست‌وپاگیر، بسیاری از کسب‌وکارها ترجیح می‌دهند خارج از چارچوب قانونی فعالیت کنند که باعث کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و عدم دسترسی این بخش به تسهیلات بانکی می‌شود.

شاخص «آمادگی برای تجارت» در برنامه‌ریزی توسعه چه جایگاهی دارد؟

پاسخ: این شاخص نشان‌دهنده سهولت انجام فعالیت‌های تجاری است. هرچه این شاخص بهتر باشد، هزینه ورود و خروج به بازار برای بنگاه‌ها کاهش یافته و فضای رقابتی برای نوآوری و توسعه فراهم می‌شود.

تفاوت «نرخ بهره واقعی» با «نرخ بهره اسمی» در تصمیمات سرمایه‌گذاری چیست؟

پاسخ: نرخ بهره اسمی نرخ اعلامی بانک است، اما نرخ بهره واقعی (نرخ اسمی منهای نرخ تورم) هزینه واقعی تأمین مالی را نشان می‌دهد. تصمیمات بهینه سرمایه‌گذاری باید بر اساس نرخ بهره واقعی گرفته شود.

چرا «صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا» برای توسعه ضروری است؟

پاسخ: این کالاها دارای ارزش افزوده بالاتری هستند و در بازارهای جهانی تقاضای مستمری دارند. تمرکز بر این صادرات، کشور را از نوسانات قیمت کالاهای خام نجات داده و تراز تجاری را پایدار می‌کند.

مفهوم «عدم تقارن اطلاعاتی» (Information Asymmetry) در تأمین مالی چیست؟

پاسخ: شرایطی است که در آن مدیران شرکت اطلاعات بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران دارند. این پدیده باعث ایجاد مشکل «انتخاب معکوس» و «کج‌منشی» شده و هزینه تأمین مالی را افزایش می‌دهد.

چرا «ثبات اقتصاد کلان» پیش‌شرط هرگونه برنامه‌ریزی توسعه است؟

پاسخ: بدون ثبات (تورم کنترل‌شده، نرخ ارز پایدار و کسری بودجه محدود)، محاسبه دقیق هزینه‌ها و بازدهی پروژه‌ها غیرممکن است و ریسک‌های سیستماتیک مانع از هرگونه برنامه‌ریزی بلندمدت می‌شود.

نقش «سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها» بر نرخ بازدهی بخش خصوصی چیست؟

پاسخ: زیرساخت‌ها (مثل راه، انرژی، اینترنت) «هزینه‌های سربار» تولید را کاهش می‌دهند. با بهبود زیرساخت، بهره‌وری سرمایه در بخش خصوصی افزایش یافته و انگیزه برای گسترش تولید بیشتر می‌شود.

تأثیر «کاهش نرخ مالیات شرکت‌ها» بر توسعه اقتصادی چیست؟

پاسخ: کاهش مالیات می‌تواند جریان نقدی (Cash Flow) در دسترس شرکت‌ها را برای سرمایه‌گذاری مجدد افزایش دهد. اگر این منابع به سمت R&D و توسعه خطوط تولید برود، محرک رشد است.

منظور از «تله درآمد متوسط» (Middle-Income Trap) چیست؟

پاسخ: وضعیتی که در آن یک کشور به دلیل افزایش دستمزدها دیگر در تولیدات ارزان قیمت مزیت ندارد، اما هنوز به سطح تکنولوژی و نوآوری لازم برای رقابت با کشورهای پیشرفته نرسیده است.

تأثیر «سرمایه انسانی» بر رشد اقتصادی از طریق کانال بهره‌وری چیست؟

پاسخ: نیروی کار متخصص و آموزش‌دیده، بهتر از تکنولوژی استفاده می‌کند و فرآیندهای تولید را بهینه‌سازی می‌کند که مستقیماً منجر به افزایش خروجی نسبت به ورودی می‌شود.

چرا نابرابری شدید درآمدی مانع رشد اقتصادی بلندمدت است؟

پاسخ: نابرابری زیاد باعث کاهش تقاضای کل (به دلیل تمایل کمتر ثروتمندان به مصرف)، کاهش دسترسی بخش بزرگی از جامعه به آموزش و در نهایت بی‌ثباتی اجتماعی می‌شود که فضای کسب‌وکار را ناامن می‌کند.

نقش «بانک مرکزی» در برنامه‌ریزی توسعه چیست؟

پاسخ: کنترل تورم و مدیریت عرضه پول. با ثبات قیمت‌ها، بانک مرکزی فضای پیش‌بینی‌پذیری برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که برای اجرای برنامه‌های توسعه حیاتی است.

تأثیر «سیاست‌های حمایتی (Protectionism)» بر صنعت داخلی چیست؟

پاسخ: در کوتاه‌مدت از صنایع نوپا حمایت می‌کند، اما در بلندمدت اگر به رقابت منجر نشود، باعث کاهش بهره‌وری و کاهش کیفیت کالاهای تولیدی می‌شود.

منظور از «تخصیص ناکارآمد اعتبارات بانکی» در کشورهای در حال توسعه چیست؟

پاسخ: حالتی است که بانک‌ها به جای پروژه‌های مولد، به شرکت‌های دولتی یا گروه‌های خاص، صرفاً به دلیل روابط سیاسی، وام می‌دهند که مانع از رشد واقعی می‌شود.

چرا «درآمد مالیاتی» پایدارتر از «درآمدهای نفتی» است؟

پاسخ: درآمدهای نفتی وابسته به قیمت‌های جهانی و خارج از کنترل کشور است. درآمدهای مالیاتی وابسته به رشد فعالیت اقتصادی داخلی است که برنامه‌ریز می‌تواند با سیاست‌گذاری آن را هدایت کند.

مفهوم «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)» چیست؟

پاسخ: ورود سرمایه توسط شرکت‌های خارجی برای ایجاد یا خرید دارایی‌های مولد. این روش نه تنها پول، بلکه تکنولوژی و دسترسی به بازارهای جهانی را نیز به همراه می‌آورد.

تأثیر «بوروکراسی اداری» بر فرآیند توسعه چیست؟

پاسخ: فرآیندهای اداری طولانی و پیچیده، هزینه ورود به بازار را افزایش می‌دهد و باعث اتلاف وقت و منابع ارزشمند کارآفرینان می‌شود که خود عاملی بازدارنده برای توسعه است.

چرا «پایداری بدهی دولت» برای توسعه مهم است؟

پاسخ: اگر بدهی دولت بیش از حد شود، بخش بزرگی از بودجه کشور صرف پرداخت سود بدهی می‌شود که مانع از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و توسعه‌ای می‌گردد.

تأثیر «نوآوری» در مدل‌های رشد درون‌زا چیست؟

پاسخ: نوآوری (توسعه تکنولوژی و محصولات جدید) بازدهی سرمایه را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود اقتصاد از حالت «ایستایی» خارج شده و به رشد مداوم دست یابد.

منظور از «اثر تکاثری (Multiplier Effect)» در سرمایه‌گذاری چیست؟

پاسخ: یعنی یک واحد سرمایه‌گذاری اولیه، باعث ایجاد درآمدهای ثانویه و رشد چندین برابری در درآمد ملی می‌شود؛ این امر در برنامه‌ریزی برای انتخاب پروژه‌های اولویت‌دار اهمیت دارد.

چرا توسعه «سیستم‌های بیمه و تأمین اجتماعی» برای توسعه اقتصادی لازم است؟

پاسخ: با ایجاد امنیت اجتماعی، ریسک‌پذیری کارآفرینان و نیروی کار افزایش می‌یابد؛ چرا که آن‌ها در صورت شکست یا بیکاری، پوشش حمایتی دارند.

تأثیر «آزادسازی تجاری» بر بهره‌وری بنگاه‌های داخلی چیست؟

پاسخ: بنگاه‌ها مجبور می‌شوند برای رقابت با کالاهای خارجی، بهره‌وری خود را بالا ببرند و هزینه‌های تولید را مدیریت کنند تا سهم بازار خود را حفظ نمایند.

منظور از «اقتصاد سیاسی توسعه» چیست؟

پاسخ: تحلیل این که چگونه منافع گروه‌های مختلف (سیاسی و اقتصادی) بر سیاست‌های توسعه‌ای اثر می‌گذارد و چرا گاهی سیاست‌های درست اقتصادی به دلیل فشارهای سیاسی اجرا نمی‌شوند.

چرا «بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)» مهم‌ترین شاخص برای رشد بلندمدت است؟

پاسخ: چون نشان‌دهنده میزان کارایی در ترکیب نهاده‌ها (سرمایه و نیروی کار) است. اگر TFP رشد نکند، رشد اقتصادی صرفاً ناشی از مصرف بیشتر منابع است که در نهایت به دیوار می‌خورد.